

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینۀ ایران

شباهنګ راد

۱۱ دسمبر ۲۰۱۲

آتش‌سوزی مدارس در ایران



خبر تکان‌دهنده دیگری منتشر گردیده است مبنی بر این که چند ده دانش‌آموز دبستان "شین‌آباد" پیرانشهر در آتش سوختند. وقایع تلخی که در زیر سلطه نظام سراسر چپاول جمهوری اسلامی تمامی ندارد. واکنش سران، مسؤولین و عاملان چنین وقایعی هم پیشاپیش روشن بود. گوئی در این دوران و در دورانی که تکنیک و علم پیشرفت نموده است و مغز آدمی مخترع‌دها و وسیله کشف و کُشتار انسان‌ها در زیر زمین‌های چند ده متری است، قادر به علاج و جلوگیری از چنین رخداد‌های ناگواری نیست. گوئی نمی‌توان از شر بخاری‌های نفتی خلاصی یافت و مانع جزغاله شدن نونهالان و دانش‌آموزان گردید. به واقع که داستان آتش‌سوزی کلاس‌ها در ایران همه ساله است. به عبارتی هر ساله می‌باید شعله‌های آتش، بدن‌های نحیف دانش‌آموزان را در مناطق عقب افتاده ایران بسوزاند تا سران نظام با خیالی آسوده سیاست‌های فریبکارانه شان را - در قالب رژیم حامی "مستضعفان" - پی گیرند. گوئی تصاویر و چهره‌های سوخته دانش‌آموزان روستاهای "سروستان" و "دروذن" فارس و زاهدان، و بالاخره "سفیلان" چهار محال بختیاری و غیره از یادها رفته است تا می‌باید با چهره‌در‌دآور و سوخته دانش‌آموزان دختر "شین‌آباد" پیرانشهر آشنا شویم!

البته چنین فجایع دردناکی هر ساله به دلیل اهمال کاری‌ها و بالا کشیدن امکانات مملکت توسط سران رژیم جمهوری اسلامی اتفاق می‌افتد. بنابه گفته خودی‌های‌شان کلاس‌ها و وسائل گرمایشی استاندارد نیستند و هزاران کودک در زیر سقف‌ها و کلاس‌های نامطمئن و حادثه ساز به امر تحصیل می‌پردازند. کسی پاسخگو نیست و کسی به فکر تهیه ابتدائی‌ترین نیازهای تحصیلی و حذف بخاریهای نفتی جان‌گیر در مدارس نیست. نه بودجه‌ها، کفاف راست و ریز نمودن معضلات کلاس‌های درسی را می‌کند و نه همان بودجه‌های ناچیز در خدمت به رفع معضلات رو در روی دانش‌آموزان است.

مدارس فرسوده است و با شروع فصل سرما، بر وقوع اتفاقات ناگوار هم افزوده می‌گردد و بی‌گمان مدرسه "شین‌آباد" پیرانشهر هم از این‌دست مدارس غیر استاندارد و نامطمئن بود. پنجره‌های آن را به دلیل جلوگیری از ورود حیوانات، با میله‌های آهن بسته بودند تا امکان هرگونه عکس‌العمل دانش‌آموزان، از وقوع هرگونه حادثه‌ای سلب گردد. درهای این

مدرسه هم بهمانند ده‌ها مدرسه دیگر، دستگیره نداشت و از نصب وسائل ایمنی همچون کپسول‌های اطفای حریق خبری نبود.

سؤال این است که مسؤول مستقیم چنین فجایع دردناکی کیست و چرا هر ساله در زیر حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی چنین اتفاقات ناگواری رخ می‌دهد؟ چرا مدارس فاقد وسائل ایمنی و فاقد استانداردهای اولیه است؟ در یک کلام و دلیل اصلی آن به سیاست‌های چپاول‌گرایانه‌ای بر می‌گردد که سران حکومت مدافع آنند؛ دلیل آن به نظامی بر می‌گردد که در فکر غارت اموال عمومی و بالا کشیدن دست‌مزدهای کارگران و استثمار بی حد و حصر توده‌های ستمدیده می‌باشد. با این اوصاف رژیمی که در پی تحقق سیاست‌های ارتجاعی و منفعت‌طلبانه است، مجالی نخواهد یافت تا در فکر تأمین و تهیه ابتدائی‌ترین نیازهای مدارس ایران باشد.

ناگفته نماند که وقوع حوادث ناگوار و اهمال کاری‌های سران رژیم جمهوری اسلامی آنقدرها بالاست که با هیچ قلمی نمی‌توان از در توضیح آن‌ها بر آمد، و همچنین تفاوت زندگی و استفاده از نعمات جامعه، مابین فرزندان محرومان و سرمایه‌داران آن‌چنان عریان و بالاست که با هیچ کلامی نمی‌شود، آن را بیان نمود. در حقیقت هدف بالائی‌ها، نه ساختن جامعه انسانی و فراهم نمودن امکانات زندگی و آموزشی برای فرزندان محرومان است، و نه خواهان همپاری و همدلی مردم از فجایع ناگواری همچون "شین‌آباد" اند. به عنوان نمونه مسؤولان دانشگاه پیام نور مهاباد با درخواست جمعی از اعضای انجمن‌های دانشگاه، جهت گردهمائی به‌منظور ابزار همدردی با کودکان پیرانشهر مخالفت نمودند.

با این اوصاف می‌توان چنین سیاستی را به حساب روحیه غیر انسانی سران حکومت گذاشت؟ سیاستی که از یکسو مخالف همپاری و همدلی مردم نسبت به حوادث ناگواری همچون آتش‌سوزی و زلزله است و از سوی دیگر نمایان‌گر آن است که سران حکومت کمترین گامی در جهت رفع مشکلات رو در روی نظام آموزشی و مدارس بر نمی‌دارند و بی‌دلیل هم نیست که نهادها و ارگان‌های وابسته به آنان از کم‌کرسانی و همدلی مردم پیرامون وقایعی همچون آتش‌سوزی و زلزله ممانعت به عمل می‌آورند.

به عبارتی حقیقی‌تر تا این نظام بر سر کار است، رخداد و فجایع دردناکی همچون آتش‌سوزی در مدارس محتمل می‌باشد. تا زمانی که سرمایه‌داران و سران رژیم جمهوری اسلامی بر سر کاراند، دامنه بالا کشیدن امکانات عمومی، گسترده و گسترده‌تر خواهد گردید و نه تنها، ابعاد ناهنجاری‌ها و حوادث پیش‌گیرنده محدود نخواهد شد بلکه دامنه وسیع‌تری به خود خواهد گرفت. در این سی سال و اندی مردم و خانواده‌های دانش‌آموزان در عمل دریافته‌اند که مسؤولین رنگارنگ رژیم جمهوری اسلامی به فکر فرزندان‌شان نیستند و در پی اخاذی، چپاول و غارت نعمات و امکانات جامعه‌اند. دیده‌اند که چگونه بودجه‌های متفاوت به جیب این و یا آن عنصر وابسته به نظام سرازیر می‌شود و مدارس فرسوده و غیر استاندارد، دست‌خوش فاجعه می‌گردد و قربانی می‌گیرد. شکی در آن نیست که زمانی دانش‌آموزان مناطق مختلف جامعه، قادر به فراگیری علم و دانش و آن‌هم در محیطی مطمئن و بدون دغدغه می‌باشند که نظام‌های سرمایه‌داری و وابسته‌ای همچون رژیم جمهوری اسلامی به زیر کشیده شوند و رژیم مدافع آنان و میلیون‌ها انسان محروم بر سر کار آید. تنها در چنین شرایطی است که ما دیگر شاهد آتش‌سوزی در مدارس و جزغاله شدن دانش‌آموزان و آن‌هم در هنگامه درس نخواهیم بود.

۱۰ دسامبر ۲۰۱۲

۲۰ آذر [قوس] ۱۳۹۱